



تیترو روز

رئیس‌جمهور: سال آینده، سال بهتری در مهار و کنترل بیماری کرونا خواهد بود

دارکوب: به‌خصوص که اول سال هم افتاده به‌شنبه معروف!

توصیه‌های بهداشتی وزارت بهداشت برای خرید در روزهای پایانی سال
اگر احیاناً پولی تودست و بال تون دیدین باهاش خرید نکنین!

کشف گونه جدید کرونا در فرانسه
کرونا: جدید نیستیم لباس‌های عیدم رو پوشیدم!

یک پیام‌سان بومی برای چند ساعت فیلتر شد
دارکوب: از کجا فهمیدن؟ یعنی کسی ازش استفاده می‌کرده؟!

وزیر بهداشت: رنگ‌بندی کرونایی شادتر را اعلام کردیم

وی افزود: از اینا سبز یشمی هم داریم توانبار، خواستین بیارم!

جهانگیری: ارز ۴۲۰۰ تومانی موفق بود
دارکوب: برای کی؟!

وزارت صمت: قیمت‌روغن نباتی تغییر نمی‌کند، انبارها پر است، مردم نترسند
مردم: همین رو که گفتین ترس به جون مون افتاد!

کمبودشن و ماسه در جهان به معنای نداشتن منابع کافی برای ساخت شیشه‌های واکسن ضد کروناست

مردم: حالا که واکسن هست، شیشه‌اش نیست!

جریمه سنگین در انتظار استخراج کنندگان رمز ارز در منازل مسکونی

یک استخراج کننده: اشکال نداره، بیت کوین هم قبول می‌کنین؟!

کله چغوقی

آق کمال مهندس بازی‌اش گل می‌کند!



آق کمال

همه کاره و هیچ کاره

به قول مادرم «گاو به دمبش رسیده بود»، یعنی کارهای خانه‌تکانی مان تموم رفته بود و لحظه آخر که خواستم بیشه‌نیم‌پگ چای بخورم، هنوز نیم‌خیز بودم رو مبیل بیشه‌نیم که عیال گفت: «بیا ببین سینک آشپزخونه چش شده؟» رفتم دیدم انا حالا خوب رفتم، خرتناق سینک گیربافته و یگ قطره آب نمره پایین. گفتُم الان در سستش مکشم، تنها چیزی که یادمه ای بود که عیال داشت از آشپزخانه مرقت بیرون گفت: «مواظب باش آب نریزه کف آشپزخونه...» هم دسته برده‌م زیر سینک، چشم‌تان روز بدنبینه... گفتن ندره، یگ ساعتی طول کشید تا کف آشپزخانه ره تمیز کنم و بعد نوبت ای بود که خود سیفون و دم و دستگاهشه برزم تو حموم بشورم. دو ساعت بعد داشتم هنوز زور مزمدم او لغتیاره بندم تا آب چیکه نکنه و ببینم واشرها و لوله‌های اضافی مال کجایه که یادم رفته بندم شان. هوا داشت تاریک مرقت که بالاخره تموم رفتم. همه ای مدت هم عیال می‌آمد بالای کله‌ام و فقط سر تگون مَدادو مرقت!

عصر دیدم شیر سینک هم آب مده، گفتُم تا اینجی ام اورم درست کنم که هم تا دست زدم بهش، مهره‌اش برید و آب فواره زد! عصر جمعه‌ای شامس آوردم تو وسایلم واشرو مهره داشتم. یگ ساعت هم کله‌ونگ او بودم. خسته نشستم چای بخورم که دیدم کنترل تلویزیون کار نمکته. چند تا تقه زدم، دیدم نمشه، باتریشه درآوردم و کوه کردم توش، بازم نشد. رفتم پیچ گوشتی آوردم و هم تا انداختم تو پیچش، انا! تا شام داشتم اوره درست مکردم که دیدم عیال در فرره باز کرد و قیوقیز کرد. گفتُم حالا که پیچ گوشتی دسته همی رم درست کنم که هم تا دست زدم بهش، دلنگی همه چیش از هم وارفت...

خلاصه بگم که هیچ وقت فکر نکنن کار خانه تمومی دره، علاوه بر ای که هرگز بهتان احساس مهندسی دست‌نده، حتی اگه و اقامهندس هستن!

سال گاو مبارک!



کار نویسند: محمد جواد طاهری

سوژه روز

پار سال این موقع

برتری دستکش وینیل و لاتکس و نیتریل و پارچه‌ای و چرمی و برزنتی با دوست و آشنا بحث می‌کردیم!
دومی: ما که وسواسی شده بودیم، قبل از توال رفتن هم دست‌ها مون رو تا آنج می‌شستیم! کفش‌ها مون رو سر کوچه‌در می‌آوردیم، چون می‌گفتن ویروس کرونا سنگینه می‌چسبه کف کفش، میاد تو خونه‌ها! مقدار ویروس روی سگک کمر بند رو با فریم عینک مقایسه می‌کردیم! کشف کرد ده بودیم که د کمه بالای فس فس اسپری الکل رو هم باید ضد عفونی کنیم!

اولی: بالاخره امیدوار باشیم که تو سال جدید ریشه این بیماری خشک بشه و همه مردم واکسن بززن.
دومی: همین که ماسک بز نیم هم کفایت، چون واکسن زدن همه مردم به مقداری تخفیه...

دارکوب: خب مخاطبان عزیز، سال نو خجسته و بدرود!

رو هم به یاد داده بودیم از بس الکل باشیدیم روش!
سومی: یادش بخیر پار سال این موقع هنوز پوست دست‌ها مون به خاطر الکل مثل پوست زانوی کرگدن نشده بود! تازه تمرین می‌کردیم با «آهویی دارم خوشگله» دست‌ها مون رو کف بمالیم تا ۲۰ ثانیه کمتر نشه! یادتونه اصلاً خلال دندان گیر نمی‌امد؟ همه می‌خریدن تا فرو کنن تود کمه‌های آسانسورهاشون!

اولی: چه بحثی برای ماسک دستکش بود. دنبال شلوار مناسب می‌گشتیم تا با خشتکش ماسک بدوزیم! تو ماسک‌ها مون آب می‌ریختیم و زیرشون فندک می‌گرفتیم و فوت می‌کردیم تا تعداد لایه‌هاش رو تایید کنیم! سر

—بچه‌ها بباین جای آجیل هارو گیر آوردم...
+نه داداش آجیل نیست، باقالیه، برگردین!



به امید سالی بهتر از پار سال



فال روز

ای صاحب فال، سالی که نکوست از بهارش پیداست، وقتی نوروز به شنبه افتاده و در عوض غروب سیزده بدر به جمعه! چه فالی از این بهتر برایتان بگیریم که سال عجیب ۹۹ را پشت سر گذاشتیم و الان زنده داریم این فال را می‌خوانیم! پس برای سال بعدتان فال می‌گیریم که سالم و خوش در کنار عزیزان‌تان، دارکوب بخوانید. جای دوری هم نمی‌رود اگر مرغ و گوشت و میوه و روغن و برنج و آجیل کمتری مصرف کنید. کارشناس‌های تلویزیون که برای شوهر عمه‌هایمان نظر کارشناسی نمی‌دهند، برای خودمان می‌گویند!

شعر روز

سین هفتم

شاد باش و خنده کن، چون کم کمک می‌رسد از راه مهمانی عزیز
دفع بز، دفع نه... بز بزر قابلمه!
هان، مکن اعمال نیکت را تباه
وقت آن باشد دهی حالاتکان
نه خودت رانه! دلت را، جان من!
جان من امشب به یمن مقدمش
غیر غم هر چه خوری مهمان من
پهن کن یک بار دیگر سفره‌ی...
هفت‌سین را و مگو دل خسته شد
سبب و سبب و سنجد و سر که، سماق
سنبل و...! سین هفتم پس چه شد؟
سین هفتم را چه کردی ساقیا؟
هان چرا خود را به آن ره می‌زنی؟
سین هفتم هست سکه! اوای من
نرخ آن هم کرده پشت منحنی
بی خیال سکه و ارز و دلار
بی خیال این تورم، این فشار
کف بز، بر دف بز، چرخ بز
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
مجید رحمانی صانع

۳۰ اسفند روز جهانی شادی است

گذشت امسال بی شادی و لبخند
ولی امسال سی روز است اسفند
چرا؟ چون سال مان خاص و کیسه‌ست
و تا پایان دلم پیش رئیس است
و حال روز آخر توی تقویم
شده روز فراغت از غم و بیم
عجب نامی گرفته: روز شادی
در این دنیای خاص و غیرعادی
به قدری اسم و نامش خنده‌دار است
که جبران کسالت‌های کار است
به قدری خنده‌آور شد چنین روز
که شد جبران کل بغض دیروز
به قدری شادی آور شد برایم
که شد جبران کل دردهایم
عجب پایان خاص و خنده‌داری
تو هم از خنده‌هی تحت فشاری؟!

بهار نژد

ارسال

دیفال

گل پوست پسته‌ای

کار کرده ولی تمیز

توافقی - معاوضه با پوست مرغ

توضیحات:

گل مصنوعی ساخته شده با پوست پسته، بسیار زیبا، شیک و مجلسی، باکلاس، اورگانیک، استریلیزه شده، همراه با یک پسته سر بسته در مرکزش مناسب برای تزئین سفره هفت سین، عکس اینستاگرام و گذاشتن جلوی مهمان (با رعایت پروتکل‌ها) همچنین می‌توانید پس از عکس گرفتن، آن‌ها را از هم باز کرده و جلوی در منزل بریزید تا همسایه‌ها فکر کنند توانسته‌اید آجیل بخريد هر خريد بالا = يك فندق رایگان